

An Investigation of the Political Significance of the City and Mint of Wah-az-Amid-Kovad in the Late Sasanian Period Based on Numismatic and Seal Evidence

Hakimeh Ahmadizadeh shendi¹

Abstract

In the final decades of the Sasanian rule, when turmoil had engulfed the entire Ērānshahr and every claimant to the throne sought to dominate all provinces and consolidate their authority, the activity of the mint of the city known as wēh-az-āmīd-kawād increased significantly. The name of this city appears on coins with the mint signature WYHC, which represents the full name Wēh-az-Āmīd-Kawād. This raises the question of what factors led to the special importance of this city and the increasing repetition of its name on the coinage of kings and claimants to the throne in the late Sasanian period. This study aims to explain the political, economic, and strategic significance of the wēh-az-āmīd-kawād mint (WYHC) and to examine the reasons for the remarkable frequency of its name on late Sasanian coinage. The research method is based on library-based studies, analysis of historical and geographical sources, and a comparative examination of numismatic data and seals from this period. The findings show that Wēh-az-Āmīd-Kawād, founded by order of Kavād I, functioned as one of the key economic, administrative, and military centers and played a decisive role in the Sasanian power structure. The analysis of coinage also indicates that rulers such as Bōrān, Āzarmīduxt, Khosrow III, Yazdegerd III, and other claimants to the throne issued coins from this mint in order to demonstrate authority and consolidate their political legitimacy. The results suggest that the city's strategic location, the economic importance of the mint, and its role in legitimizing political power were the main factors behind the prominence and repeated appearance of wēh-az-āmīd-kawād on the coinage of the late Sasanian kings.

Keywords: Sasanians, Mint, Wah-az-Amid-Kovad, Seals, Coins.

¹ Ph.D. in the History of Pre-Islamic Iran, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University
ahmadizadehhakime@gmail.com

واکاوی اهمیت سیاسی شهر و ضرابخانه وه-از-آمید- کواد در اواخر دوره ساسانی بر اساس شواهد سکه‌شناسی و مهرها

حکیمه احمدی زاده شندی^۱

چکیده

در دهه‌های پایانی فرمانروایی ساسانیان، هنگامی که آشوب سراسر ایران‌شهر را فراگرفته بود و هر مدعی سلطنت در پی تسلط بر تمامی ایالات و استقرار اقتدار خویش بود، فعالیت ضرابخانه شهری با نام وه-از-آمید-کواد افزایش چشمگیری یافت. نام این شهر با نشان اختصاری WYHC بر پشت سکه‌ها، که بیانگر نام کامل wēh-az- āmīd -Kawād است، شناخته می‌شود. از این‌رو، این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی موجب اهمیت ویژه این شهر و تکرار فزاینده نام آن در مسکوکات شاهان و مدعیان سلطنت در اواخر دوره ساسانی شده است؟ این پژوهش با هدف تبیین اهمیت سیاسی، اقتصادی و راهبردی ضرابخانه وه-از-آمید-کواد (WYHC) و بررسی علل تکرار چشمگیر نام آن در مسکوکات اواخر دوره ساسانی انجام شده است. روش تحقیق بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل منابع تاریخی و جغرافیایی و بررسی تطبیقی داده‌های سکه‌شناختی و مهرهای این دوره است. یافته‌ها نشان می‌دهد که وه-از-آمید-کواد، که به فرمان قباد اول بنیان نهاده شد، به عنوان یکی از مراکز مهم اقتصادی، اداری و نظامی نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار قدرت ساسانی ایفا می‌کرد. بررسی مسکوکات نیز نشان می‌دهد که فرمانروایانی چون بوراندخت، آزرمی‌دخت، خسرو سوم، یزدگرد سوم و دیگر مدعیان سلطنت با ضرب سکه در این ضرابخانه، درصدد نمایش اقتدار و تثبیت مشروعیت سیاسی خود بوده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که موقعیت راهبردی شهر، اهمیت اقتصادی ضرابخانه و نقش آن در مشروعیت‌بخشی سیاسی، مهم‌ترین عوامل برجسته‌شدن و تکرار نام وه-از-آمید-کواد در مسکوکات شاهان پایانی ساسانی بوده است.

کلیدواژه‌ها: ساسانیان، ضرابخانه، وه-از-آمید-کواد، مهرها، سکه‌شناسی

^۱ دکتری تخصصی تاریخ ایران پیش از اسلام، دانشکده ادبیات علوم انسانی و اجتماعی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی ahmadizadehakime@gmail.com

۱- مقدمه

شهر آمد āmīd که امروزه در استان دیاربکر^۱ در جنوب کشور ترکیه واقع است (دهخدا، ذیل «دیاربکر»، ج ۸: ۱۱۳۳۶). در سراسر دوره ساسانی، یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی صحنه نبردهای ایران و روم بود. استحکامات کم‌نظیر، موقعیت جغرافیایی ممتاز، و قرارگرفتن بر گذرگاه‌های حیاتی میان دو امپراتوری باعث شد شاهان ساسانی، از شاپور دوم تا قباد و خسرو پرویز، بارها برای تصرف آن اقدام کنند. منابع تاریخی دوره اسلامی گزارش می‌کنند که قباد بن فیروز پس از بازپس‌گیری پادشاهی از جاماسپ و در پی حمله به روم و فتح شهرهای آمید āmīd، فرمان داد شهری میان فارس و اهواز بنا کنند. این شهر در منابع با نام‌های برقباد، ابن‌قباد، وه-از-آمید-کواد wēh-az-āmīd-kawād آمده و همان شهری است که بعدها «ارجان» نام گرفت. اسیران دو شهر رومی نیز در این شهر اسکان داده شدند و نواحی رامهرمز، شاپور، اردشیر خره و حتی بخش‌هایی از ناحیه اصفهان به آن افزوده شد (همدانی، ۱۳۰۲: ۱۹۹؛ حموی، ۱۹۷۷: ۱۴۳/۱). این شهر نه تنها کلید کنترل مسیرهای نظامی و بازرگانی بود، بلکه تسلط به این شهر علاوه بر نقش دفاعی و پشتیبانی از مناطق غربی، مرکز فعالیت‌های سکه‌خانه‌ای و مهرسازی ساسانی بود. بر پایه تحلیل‌های سکه‌شناختی و بررسی مهرها، نشانه اختصاری صحیح ضرابخانه وه-از-آمید wēh-az-āmīd-kawād با حروف اختصاری WYHC خوانده می‌شود (پاروک^۲، ۱۹۷۶؛ شیندل^۳، ۲۰۱۴). در واقع منظور از حروف اختصاری شهرها در سکه‌ها این است که در سنت سکه‌زنی ساسانی، نام شهر محل ضرب سکه بر پشت مسکوکات به خط فارسی میانه ساسانی درج می‌شد. از آنجا که فضای سکه محدود بود، نام شهرها به صورت اختصاری نوشته می‌شد؛ برای نمونه، نشانه‌های MR و AH به ترتیب معرف شهرهای مرو و همدان است که حرف‌نویسی نام شهر وه-از-آمید-کواد به صورت wyh-'c-'myt-kw't نوشته می‌شد، با نشانه اختصاری WYHC بر روی سکه‌ها مشخص گردیده است. شناسایی و تفسیر این نشانه‌های اختصاری نیز بر پایه مطالعات زبان‌شناختی، بررسی متون فارسی میانه و تحلیل سکه‌های ساسانی امکان‌پذیر است. با وجود اهمیت این موضوع، برخی از پژوهشگران پیشین نشانه اختصاری ضرابخانه این شهر را به اشتباه خوانده و آن را به صورت NIHC ثبت کرده‌اند. این اشتباه ناشی از بدخواندن نویسه‌های پهلوی مندرج در سکه‌ها است. مسئله تحقیق این است که چرا ضرابخانه این شهر در دوره پایانی ساسانی اهمیت ویژه یافته و چه نقشی در تثبیت سلطنت شاهان و مدیریت شورش‌ها داشته است. هدف پژوهش حاضر، بررسی مستند نقش شهر وه-از-آمید-کواد (wēh-az-āmīd-kawād) به عنوان کانونی استراتژیک، اقتصادی و سیاسی در دوران پایانی ساسانی، با تمرکز بر اهمیت سکه‌خانه و نشانه اختصاری WYHC است تا نشان دهد این شهر نه تنها محل ضرب مسکوکات شاهان پایانی، بلکه مرکزی برای مدیریت شورش‌ها و تثبیت مشروعیت سلطنت

^۱ Diyarbakır

^۲ Paruck, D.J.

^۳ Schindel, N.

نیز بوده است. سوال اصلی این تحقیق این است که چرا نام اختصاری ضرابخانه این شهر تا این حد در واپسین سالهای این سلسله مهم می‌شود که به تقریب هر فرمانروایی که به تخت تکیه می‌زد نام این سکه خانه را به شکل پرشمار بر مسکوکات خود دارد.

۲- پیشینه پژوهش

روش این پژوهش از نظر گردآوری داده‌ها مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. در این چارچوب، منابع اصلی شامل مسکوکات و مهرهای ساسانی، همراه با بررسی و تحلیل زبانی واژه‌های فارسی میانه مندرج در آنها، همچنین منابع ایرانی و غیرایرانی دوره اسلامی و کتب سکه‌شناسی ساسانی است. داده‌ها از طریق بررسی و تحلیل انتقادی منابع دست اول و دست دوم گردآوری شده و با رویکرد تحلیل تطبیقی نشانه‌ها و مسکوکات، امکان نتیجه‌گیری درباره اهمیت این شهر در اواخر دوره ساسانی فراهم شده است. پژوهش‌های پیشین درباره نقش ضرابخانه مهم وه-از-آمید-کواد (wēh-az-āmīd-kawād) بسیار ناکافی بوده و در مواردی به دلیل خوانش نادرست نویسه‌های فارسی میانه، دچار خطا شده‌اند. شیندل (۲۰۱۴) تنها به خوانش و نشانه‌های محدود این ضرابخانه پرداخته و دیدگاهی سطحی ارائه کرده است. گوبل^۱ (۱۴۰۱)، آلتهایم^۲ و دیگران (۱۳۹۱) و پاروک (۱۹۷۶) علاوه بر خوانش نادرست، تحلیل‌های ناقصی ارائه داده‌اند که موجب ابهام در فهم جایگاه تاریخی این ضرابخانه شده است. دریایی (۱۳۸۱) و (۱۳۹۳) تنها به طور گذرا به این ضرابخانه اشاره کرده، هرچند به اهمیت فراتر از یک شهر عادی برای شاهان پایانی ساسانی توجه داشته است. گیزلن^۳ (۱۹۸۹، ۲۰۰۲) به خوانش نام فارسی میانه این شهر در مهرها و بررسی جغرافیای آن پرداخته است. با وجود این مطالعات، هیچ‌یک به صورت جامع و مستدل به اهمیت تاریخی این شهر و نقش استراتژیک آن در دوره شاهان پایانی ساسانی نپرداخته‌اند. مقاله حاضر برای نخستین بار با تمرکز کامل بر ضرابخانه وه-از-آمید-کواد (wēh-az-āmīd-kawād)، هم به مسئله زبانی نام فارسی میانه این شهر می‌پردازد، هم تحلیل تاریخی دقیق ارائه می‌دهد و هم جایگاه آن را در شبکه اقتصادی و سیاسی ساسانیان متأخر روشن می‌سازد؛ بدین ترتیب خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین را به‌طور مؤثر برطرف می‌کند.

۳- بررسی جغرافیایی تاریخی «وه-از-آمید-کواد و انطباق آن با ارجان

شهر ارجان که در منابع کهن با صورت‌های ارگان، ارجان، وه-از-آمید-کواد، برقباذ و ابزقباذ شناخته شده، یکی از مهم‌ترین شهرهای ساسانی و سپس اسلامی در مرز فارس و خوزستان بود. بنابر گزارش‌ها، این شهر در آغاز به‌دستور قباد بن فیروز، پدر انوشیروان، بنیاد نهاده شد و در دوره‌های بعد نیز همچنان اهمیت داشت. قباد در مرحله سوم سلطنت خود به شهر «آمید» āmīd لشکر کشید و به سال ۵۰۲

¹ Goble, R.

² Altheim, F.

³ Gyselen, R

میلادی آمید āmīd را تسخیر کرد، هشتاد هزار نفر را اسیر نمود و به اسرا فرمان داد که در مرز فارس و اهواز شهری بنا کنند. افزون بر این، قباد اول ساکنان بخش شمالی بین‌النهرین را به ناحیه‌ای کوچ داد که بعدها استان ارجان نام گرفت، و ناحیه جدید اداری نیز به نام خود او خوانده شد (گاوبه^۱، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۱). به گفته سعید بن البطریق و یاقوت قباد این اسرا را در این شهر تازه بنیاد شده سکنی داد. البته این دو مورخ به اشتباه این شهری که اسرا به آن منتقل شده‌اند را همدان نوشته‌اند. به عقیده نولدکه علت این خطای سعید بن البطریق و یاقوت شباهت ریخت پهلوی همدان و آمید در دو نویسه آغازین آنها است (نولدکه^۲، ۱۳۵۸: ۲۴۰). در فارس‌نامه آمده است که «کوره قباد خوره ارجان در ابتدا قباد بن فیروز بنا کرد و شهری بود بزرگ با نواحی بسیار، اما به روزگار فتور و استیلاء ملحدان خراب گشت» (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۴۸). گزارش‌های دیگر نیز آغاز شکل‌گیری ارجان را در پی سیاست‌های قباد تأیید می‌کنند. در زمان سلطنت قباد اول، جنبش مزدکیان با تغییراتی مهم در ساختار اجتماعی، از قدرت اشراف کاست و هم‌زمان پیروزی‌های نظامی او امکان تأسیس شهری تازه در سرزمین میان خوزستان و فارس را فراهم آورد؛ شهری که «وه-از-آمید-کواد» (wēh-az-āmīd-kawād) نام گرفت و در اواخر عصر ساسانی دوباره صورت کهن خود، ارگان/ارجان، را بازیافت. این ناحیه به سهولت به املاک سلطنتی افزوده شد و به سبب بنیان اقتصادی مستحکم، عده‌ای بسیار از مردم شهر آمید āmīd به این منطقه کوچانده شدند. گروهی از آنان کشاورز و بخشی دیگر صنعتگر بودند و سود این حرفه‌ها به خزانه دولت و جبران پیامدهای جنگ با هفتالیان اختصاص می‌یافت. دولت مرکزی با این اقدامات می‌کوشید نفوذ خود را در این ناحیه استوار کند (گاوبه، ۱۳۷۷: ۲۵-۲۶). در خصوص محل ویرانه‌های ارجان، مطالعات جدید مکان دقیق آن را در «چند میلی شمال شهر بهبهان» تأیید کرده‌اند (گاوبه، ۱۳۷۷: ۲۰). همین موقعیت با گزارش‌های جغرافی‌دانان نیز سازگار است؛ از جمله گزارش طبری که از ساختن شهری میان فارس و اهواز به امر قباد سخن می‌گوید. طبری می‌نویسد قباد پس از فتح شهر آمید āmīd، مردم آنجا را اسیر گرفت و میان فارس و اهواز شهری بنا کرد و «رام-قباد» نام نهاد و آن همان شهری است که «بر مقباد» و «ارگان» نیز خوانده می‌شود و روستاهایی از ولایات سرق و رامهرمز به آن پیوستند (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۶۴۱). در مجموع، روایت‌های طبری، اصفهانی، ثعالبی و پژوهش‌های جدید، همگی تأکید دارند که وه-از-آمید-کواد همان ارجان است. (شه‌بازی، ۱۳۸۹: ۴۹۲). اصفهانی می‌گوید: «در فارس به-از-آمید-کواد همان ارجان است» (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۵). ثعالبی نیز بنای ارجان را به قباد نسبت داده و آن را شهری در فاصله شصت فرسنگی میان شیراز و اهواز دانسته است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۸۴). در بررسی تقدم تاریخی نام‌ها، گرچه نمی‌توان شکل اولیه را با قطعیت تعیین کرد، اما مارکوارت «وه-از-آمد-کواد» را نام رسمی ارجان می‌شناسد (گاوبه، ۱۳۷۷: ۲۲). به این ترتیب، مجموعه شواهد تاریخی، جغرافیایی و باستان‌شناختی نشان می‌دهد که ارجان شهری است که ریشه آن به سیاست‌های نظامی و

^۱ Gaube, H

^۲ Noldeke, T

اقتصادی قباد ساسانی بازمی‌گردد، با نام‌های گوناگونی چون «وه-از-آمید-کواد»، «رام قباد»، «برقباد» و «ارگان» در منابع ذکر شده و در دوره اسلامی با نام تثبیت‌شده ارجان شناخته شده است. موقعیت این شهر در شمال بهبهان امروزی تأیید شده (مشکور، ۱۳۷۱: ۵۵۲)، و نقش آن به عنوان یکی از نواحی مهم مرزی و اقتصادی فارس و خوزستان در دوره ساسانی و پس از آن آشکار است. در منابع اسلامی به کرات از این شهر که نام دیگر آن را ارجان نوشته‌اند یاد شده است (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۵). در منابع از حصن‌الجص به عنوان یکی از دژهای مستحکم این ناحیه یاد شده است؛ دژی که درباره آن استخری و ابن‌حوقل اطلاعات دقیقی ارائه کرده‌اند. این دژ و استحکامات پیرامون آن نشان می‌دهد که ارجان علاوه بر اهمیت مذهبی و فرهنگی، در وجه نظامی نیز از موقعیت برجسته‌ای برخوردار بوده است. بدین ترتیب، مجموعه شواهد موجود نشان می‌دهد که ارجان در دوره‌های پیش از اسلام و سده‌های نخستین اسلامی، منطقه‌ای با اهمیت چندگانه بوده است: مرکزی برای استقرار و استقلال جامعه زردشتی، پناهگاهی برای میراث فرهنگی ایران، جایگاهی برای آثار و نقوش تاریخی، ناحیه‌ای با استحکامات و دژهای مهم، و محلی برای حفظ و انتقال روایت‌های ایرانی بود. این مجموعه ویژگی‌ها ارجان را به یکی از کانون‌های برجسته تاریخ فرهنگی و تمدنی ایران بدل ساخته است. در ناحیه ارجان کوهی است که آن را کوه شاپور گفته‌اند. در گزارش‌های استخری و ابن‌حوقل آمده است که بر صخره‌های این کوه تصاویر شاهان و مرزبانان معروف و روسای سرشناس آتشکده‌ها و موبدان بزرگ ایران نقش بوده و تصویر این اشخاص با سرگذشت‌ها و داستان‌هایشان در صندوق‌هایی محفوظ است، و عهده‌دار آنها گروهی هستند در ناحیه ارجان در جایی که به حصن‌الجص معروف است (محمدی، ۱۳۵۶: ۳۵-۳۳؛ حسنی، ۱۳۹۳: ۹۷). وجود چنین نقش‌هایی در کوه شاپور، نمونه‌ای که تنها نظیر شناخته‌شده آن نقش رستم را به یاد می‌آورد و به چنین جایگاهی شباهت دارد. این موضوع نشان می‌دهد شهر مورد بحث در دوره ساسانی اهمیت ویژه‌ای داشته، هرچند نشانه آن کوه امروزه ناشناس یا از میان رفته است. با توجه به اینکه وه-از-آمید-کواد (wēh-az-āmīd-kawād) در پی فتح آمید (āmīd) پدید آمد و نام آن نیز برگرفته از این شهر است، آشنایی با پیشینه تاریخی آمید برای تبیین چگونگی شکل‌گیری آن ضروری است.

۴- اهمیت استراتژیک شهر آمید و فتح آن در دوره ساسانی

از آنجا که موضوع مقاله به بررسی شهر مهم وه-از-آمید-کواد wēh-az-āmīd-kawād اختصاص دارد و این نام خود برگرفته از نام شهر کهن و استراتژیک آمید āmīd است، ناگزیر باید به بحث اصلی، جایگاه تاریخی و اهمیت جغرافیایی شهر آمید معرفی و تبیین شود. «آمید» شهری کهن و استوار در شمال بین‌النهرین بوده و آن را از بزرگ‌ترین شهرهای دیاربکر شمرده‌اند. برخی گزارش‌ها ریشه نام آن را رومی دانسته‌اند. این شهر بر فراز تپه‌ای قرار داشته که رود دجله آن را چون هلال در بر می‌گرفته و بدین‌گونه سیمایی دفاعی و ممتاز یافته است. بنای شهر با سنگ‌های سیاه سخت شکل گرفته و برج‌ها و باروهای آن از همین سنگ‌ها ساخته شده بوده است. درون شهر چشمه‌سارهایی قرار داشته که آب در عمق یک تا دو ذراع به آسانی به دست می‌آمده و دسترسی به آن بسیار ساده بوده است. وجود باغ‌ها و

نهری که گرداگرد حصار شهر می‌گذشته، بر آبادانی و شکوه آن می‌افزوده است. همچنین در نقل‌هایی از شکافی در کوهی در بخش‌هایی از آمید یاد شده که شمشیری آهنین در آن قرار داشته و ویژگی آهن‌ربایی شگفتی داشته است؛ چنان که آهن را بیش از آهن‌ربا به خود می‌کشیده و حتی ابزار آهنی را مغناطیسی می‌کرده و گفته‌اند نیروی آن تا صد سال کاسته نمی‌شده است (حموی، ۱۳۹۷هـ/۱۹۷۷م، جلد ۱: ۵۵-۵۶). در منابع لغوی و تاریخی متأخر، از آمید به عنوان شهری قدیم و مستحکم یاد شده که با سنگ‌های سیاه بنا شده و رود دجله آن را چون هلال احاطه کرده است و چشمه‌های پیرامون، آب شهر را تأمین می‌کرده‌اند. همچنین تصریح شده که این شهر در روزگار جدید با نام دیاربکر شناخته می‌شود (لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۰۴). دهخدا دیاربکر را اقلیمی در قسمت شمالی بین‌النهرین و در جنوب ترکیه می‌داند و تصریح می‌کند که دیاربکر نام شهر نیست، بلکه نام ناحیه‌ای است که شهر آمید *āmīd* مرکز آن بوده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۱۳۳۶). در زمان ساسانیان، بخش عمده عراق کنونی جزو شاهنشاهی ساسانی بود و نواحی جنوب‌شرقی ترکیه امروزی نیز گاه در قلمرو ساسانیان قرار داشت یا در مرز میان ساسانیان و امپراتوری روم واقع بود. شهرهایی مانند آمید *āmīd* (دیاربکر کنونی) در این منطقه مرزی قرار داشتند.

در گزارش‌های جغرافیایی اسلامی، آمید شهری با برج و باروی زیبا و شگفت‌انگیز معرفی شده است. معماری آن با شهر انطاکیه^۱ مقایسه شده و هرچند اندازه آن را از انطاکیه کوچک‌تر دانسته‌اند، اما سختی و استحکام سنگ‌های سیاه به‌کاررفته در بناهایش کم‌نظیر توصیف شده است. همچنین به چشمه‌ها و سرسبزی بخش غربی دجله اشاره شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۹۷). در گزارش‌های سفرنامه‌ای، ساختار شهر با دقت بیشتری ترسیم شده است: بنیاد آمید بر تخته‌سنگی یک‌پارچه نهاده شده و طول آن حدود دو هزار گام و عرض آن به همان اندازه بوده است. پیرامون شهر، دیواری از سنگ‌های سیاه کشیده شده که قطعه‌سنگ‌هایی از صد منی تا هزار منی در آن به‌کار رفته و چنان به هم پیوسته بوده که هیچ گل و گچی میان آنها دیده نمی‌شده است. ارتفاع دیوار حدود بیست ارش و پهنای آن ده ارش بوده و بر هر صد گز، برجی نیم‌دایره با قطر هشتاد گز قرار داشته است. چهار دروازه آهنین، شهر را به چهار جهت، در شرق باب‌الدجله، در غرب باب‌الروم، در شمال باب‌الارمن و در جنوب باب‌التل پیوند می‌داده، بیرون این حصار، دیوار دیگری از همان سنگ‌ها برپا بوده که آن نیز دروازه‌های آهنین داشته است. در میانه شهر چشمه‌ای از سنگ خاره بیرون می‌آمده که آبی فراوان داشته و پنج آسیاب را به گردش درمی‌آورده و سرچشمه آن بر کسی معلوم نبوده است (سفرنامه ناصرخسرو، ۱۳۳۵: ۹). شهر آمید به‌سبب قرارگیری در نقطه‌ای راهبردی که آن را از سویی به آناتولی مرکزی و سواحل دریای سیاه، فلات ایران و دریای مدیترانه و از سویی از طریق عراق به خلیج فارس پیوند می‌داد، از اهمیت ژئوپولیتیکی ویژه‌ای برخوردار بود. این جایگاه ممتاز، آمید را در دوران باستان به یکی از کانون‌های کلیدی حمل‌ونقل زمینی و تجارت دریایی

^۱ شهری در ترکیه که از بزرگترین شهرهای آسیای دولت روم بود. (دهخدا، جلد سوم: ۳۵۶۲)، خسرو یکم آن را فتح کرد و شهر *Wēh-Andiyōg-Husraw* یعنی بهتر از انطاکیه خسرو در نزدیک تیسفون بنا کرد (مشکور، ۱۳۷۱: ۸۷۰).

بدل می‌کرد و همین نقش اقتصادی و نظامی موجب می‌شد قدرت‌های منطقه‌ای همواره در پی کنترل آن باشند (استلی^۱، ۲۰۰۷: ۱۲۷-۱۲۸). درباره اهمیت شهر آمید / دیاربکر، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که این شهر به سبب موقعیت راهبردی، استحکامات نیرومند و قرارگرفتن در قلب نبردهای ایران و روم، در سراسر روزگار ساسانی نقشی محوری در منازعات دو امپراتوری داشته است. بر پایه گزارش‌های تاریخی، گروهی از استحکامات و قلعه‌های عمده در شمال بین‌النهرین در ولایت رومی به فرمان دیوکسین ساخته شد و همچون سدّی مستحکم در برابر پیشروی ایرانیان قرار گرفت. شاپور دوم نیز، به تقلید از این الگو، ساخت برج‌ها و باروهایی را در مرزهای امپراتوری روم در بین‌النهرین به سیستم دفاعی خود افزود (فرای، ۱۳۹۴: ۲۳۷-۲۳۸). در برخی منابع متقدم بیزانسی به اقدام کنستانتیوس در تقویت استحکامات شهر آمید اشاره شده است. که کنستانتیوس فرمان داد ساختار دفاعی شهر آمید نوسازی و استحکامات آن تقویت شود (تتوفانوس^۲، ۱۹۹۷: ۵۸-۶۰، AM ۵۸۳۲). این گزارش نشان می‌دهد که شهر آمید، به سبب موقعیت راهبردی خود در مرزهای شرقی امپراتوری روم، از نظر بیزانسیان نقطه‌ای کلیدی در برابر تهدیدهای ساسانی به شمار می‌رفت. به دلیل اهمیت راهبردی، حکومت‌ها همواره درصدد تصرف «آمید» بودند در منابع تاریخی مربوط به دوره ساسانی، نخستین اشاره به فتح شهر آمید به دست ایرانیان به دوران فرمانروایی شاپور دوم بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که سیاست‌های نظامی فعال او موجب گسترش نفوذ ساسانیان در مناطق مرزی غربی شد. در سال ۳۵۹ میلادی، شاپور دوم محاصره بزرگ «آمید» را آغاز کرد؛ شهری که امروز دیاربکر خوانده می‌شود. رومیان در دفاع از شهر، مقاومتی سخت نشان دادند، اما این استحکامات، پس از ۷۳ روز محاصره، سرانجام به دست ساسانیان سقوط کرد. این نبرد نقطه عطفی در تجربه نظامی ایران بود؛ زیرا ایرانیان در طول زمان شیوه‌های پیشرفته‌تری از محاصره‌گری را آموخته بودند (شپیمان، ۱۳۹۷: ۳۸). در سده‌های بعد نیز نبرد بر سر آمید ادامه یافت. در سال ۵۰۳ میلادی، در دوران قباد، این شهر بار دیگر آماج محاصره ساسانیان قرار گرفت. استحکامات نیرومند و ضخیم شهر مقاومت شدیدی ایجاد کرد؛ منجنیق‌های ایرانی با پرتاب الوارهای سنگین از بالای برج‌ها از کار انداخته می‌شد و حتی ساختن تپه مصنوعی برای حمله از بلندی نیز با حفر نقب از داخل شهر فرو ریخت. با این حال، یکی از ایرانیان دهانه نقبی قدیمی را یافت و شبی تاریک، قباد و سپاهش از همان مسیر وارد شدند. درگیری سنگینی در گرفت، و هرچند مدافعان بسیاری از مهاجمان را از فراز برج‌ها به زیر افکندند، قباد با پایداری سپاه را نگاه داشت و سرانجام پس از هشت روز نبرد، شهر در سال ۵۰۳ میلادی گشوده شد. سپس قباد، آمید را ترک کرد و به نصیبین^۳ رفت، ولی هزار تن از سپاهیان را برای نگهبانی شهر بر جای نهاد. در سال ۵۰۵ میلادی بیزانسی‌ها از غیبت قباد بهره جستند و

^۱ Stanley, B

^۲ Theophanes

^۳ شهر مرزی دولت ساسانی با دولت روم شرقی، که اغلب مذاکرات سیاسی ساسانیان و روم و پیمان صلح در نصیبین انجام می‌شد (پیگولوسیا، ۱۳۷۲: ۷۳). شهری قدیمی و مرزی که امروزه در جنوب ترکیه قرار دارد.

دست به حمله زدند اما موفق نشدند. دو سال بعد رومیان با پرداخت پول به عنوان غرامت، دوباره شهر را بازپس گرفتند و با توجه به درگیری‌های ایران با هیاطله، میان دو امپراتوری صلحی هفت‌ساله منعقد شد (پروکوپوس^۱، ۱۳۴۷: ۳۷-۴۸). آغاز سده هفتم میلادی نیز شهر آمید بار دیگر در کانون لشکرکشی‌های ساسانی قرار گرفت. پس از آنکه خسرو پرویز با کمک بیزانسی‌ها تاج‌وتخت خود را بازیافت، روابطی مسالمت‌آمیز با آنان برقرار کرد، اما با قتل امپراتور موریس به دست فوکاس، پیمان شکسته شد. خسرو به سوی دارا لشکر کشید و سپس آمید را فتح کرد. فتح آمید در این دوره در حدود سال ۶۰۷ میلادی رخ داد (شیپمان^۲، ۱۳۸۶: ۷۱). این رویداد سومین بار بود که شهر مرزی آمید به تصرف ساسانیان درمی‌آمد. پس از هر حمله، رومیان آمید را بازسازی و استحکاماتش را تقویت می‌کردند تا اهمیت راهبردی و دفاعی آن حفظ شود.

۵- ضرابخانه wēh-az-āmīd-kawād بر اساس مهرها

یکی از بحث‌برانگیزترین ضرابخانه‌های ساسانی که در سمت راست پشت مسکوکات این دوره ظاهر شده، ضرابخانه‌ای با نام اختصاری WYHC است (شیندل، ۲۰۱۴: ۱۱) که مطابق سنت رایج ضرابخانه‌ای ساسانی، بیانگر نام شهر محل ضرب سکه بوده و در سمت راست پشت مسکوکات این دوره درج شده است. البته به دلیل محدود بودن فضای سکه برای درج نام شهرها ضرابان سکه حرف اول و یا حرف اول و دوم هر شهری را در قالب نشانه اختصاری آن شهر در پشت سکه‌ها درج می‌کردند (گوبل، ۱۴۰۱: ۴۶). در همین چارچوب، اکنون املاي نام شهر وه-از-آمید-کواد نیز که با حرف نویسی wyh-'c-'myt- kw't و آوانویسی wēh-az-āmīd-kawād نوشته می‌شد دارای نشانه اختصاری WYHC که معرف همین شهر است. شناسایی و تفسیر این اختصارات بر پایه تحلیل زبان‌شناختی و مطالعه متون و شواهد سکه‌شناسی امکان‌پذیر است. پاروک سکه‌خانه wēh-az-āmīd-kawād را به اشتباه NIHC خوانده است (پاروک، ۱۹۷۶: ۱۶۷) و پس از او گوبل نیز همین خطا را تکرار کرده و در جدول ضرابخانه‌های خود همان صورت نادرست را ذکر کرده است (گوبل، ۱۳۹۱: ۱۰۶). این مورد طبیعی هم است چرا که هنوز در دوره زندگانی پاروک و گوبل مهر یاد شده که به توسط گیزلن معرفی شده است یافت نشده بود. شیندل برای نشانه WYHC علاوه بر پیشنهاد نام همین شهر، شهر دیگری با نام وه-از-اندیوک-خسرو Wēh-Andiyōg-Husraw را نیز به میان آورده است (شیندل، ۲۰۱۴: ۱۱). اما عقیده شیندل درست نیست چرا که در جستجوی ریخت پهلوی نام مشابه این شهر، جزء دوم این نام مرکب واژه از az نیست. چرا که این نام‌ها چنانکه در شهر معروف دیگری با نام وه-اندیوک-شاپور دیده می‌شود جزء دوم از az را ندارد و این نام‌ها به صورت wēh-andiyōg-šābuhr و Wēh-Andiyōg-Husraw نوشته می‌شوند (گیزلین، ۲۰۰۲: ۱۰۸). مشیری آن را VSP خوانده که وسپ-شاد-خسرو است و مورتمان و سلوود، NIHC را برای نیو-شاپور در نظر گرفته است (دریایی، ۱۳۸۱: ۱۳۸۱).

¹ Procopius, C

² Shippmann, K

۴۰). به هر روی چنانکه خواندیم نام این شهر یعنی وه-از-آمید-کواد نامی مرکب توأم با نام یکی از پادشاهان ساسانی یعنی کواد است. این کواد بی‌شک قباد اول است. معنی کلی نام این شهر نیز بدین صورت است که کواد شهری بهتر از شهر آمید را ساخت. بر پایه منابع قباد در شهرسازی و آبادانی نیز بسیار کوشا بوده و شهرهای بسیاری را پی افکنده است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۱۳). همانطور که از نام پهلوی این شهر بدست می‌آید اصفهانی به درستی این نام را به-از-آمد یعنی بهتر-از-آمید معنی کرده است (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۵۵). همچنین نام این شهر با جزء wēh آغاز می‌شود که در منابع زبان‌شناختی فارسی میانه به معنای «نیک»، «بهتر» یا «برتر» تفسیر شده است (گیزلین، ۱۹۸۹: ۱۸)، در زبان پهلوی وه wēh صفت تفضیلی است که از ایران باستان مشتق شده است این صفت تفضیلی در فارسی نو «تر» نیز بدان اضافه شده و معنی «وهرتر» و یا صورت جدیدتر «بهتر» به خود گرفته است (ژاله آموزگار-احمدتفضلی، ۱۳۸۲: ۶۷)، به همین علت عبارت اول برای این شهر را بهتر ترجمه شده و به پیروی از اصفهانی کل این نام مرکب که مشتمل به چهار واژه است را «بهتر-از-آمید- [را] کواد [ساخت]» ترجمه می‌کنیم. همچنین مورد دیگری که کاملاً تایید می‌کند که این نشانه اختصاری WYHC شهری ساخته شده بدست قباد اول بوده این است که مشاهده می‌کنیم برای نخستین بار این نشانه اختصاری در دوره پادشاهی قباد اول بر پشت سکه‌ها پدیدار می‌گردد (پاروک، ۱۹۷۶: ۱۶۷). روشنی این خطا و تعیین صورت صحیح و هویت شهری که این نشانه به آن اشاره دارد، مرهون مهرهایی است که از عصر ساسانی به جا مانده‌اند و در آنها نام کامل نشانه اختصاری درج شده است. گیزلین این مهرها را مطالعه و معرفی کرده است (گیزلین، ۱۹۸۹: ۱۱۲). بر پایه پژوهش‌های گیزلین، مهرهای به‌جا مانده از این دوره نشان می‌دهد که دست‌کم چهار منصب مهم کشوری در این شهر فعال بوده‌اند؛ مناصبی که وجودشان در شهری نوپا، خود بیانگر توجه ساختاری حکومت به این ناحیه است. این مناصب عبارت‌اند از:

۵- ۱- دریوشان جادگ‌گوو [وکیل درویشان یا فریادرس تهیدستان] (driyōšān jādag-gōw): این مقام که در متون دوره ساسانی از آن یاد شده، مسئولیت حمایت از فرودستان، بیوه‌زنان، کودکان بی‌سرپرست و درماندگان را بر عهده داشت. وی بر دریافت و توزیع وجوه خیریه و صدقات نظارت می‌کرد و نوعی مقام رفاهی- نظارتی برای ساماندهی امور نیازمندان بود. چنانکه دریایی توضیح می‌دهد، این مقام به عنوان «پشتیبان درماندگان» شناخته می‌شد و بر موقوفات و وجوهات اختصاص یافته به فقرا نیز نظارت داشته است (دریایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱-۱۴۰).

۵- ۲- دادور (dādwar) دادور یا قاضی یکی از مناصب بنیادین ساختار حقوقی ساسانی بود. بر اساس مادیگان هزاردادستان، دادور زیر نظر موبد فعالیت می‌کرد و گذراندن آموزش‌های دینی و حقوقی برای او الزامی بوده است. این جایگاه بیانگر آن است که شهر وه-از-آمید-کواد از ابتدای پیدایش دارای نظام قضایی رسمی و منظم بوده است (دریایی، ۱۳۸۱: ۴۹).

۵- ۳- شهراب (šahrab) شهراب از مناصب مهم اداری بود که اداره ایالات و نواحی بزرگ را برعهده داشت. در کتیبه کعبه زرتشت نیز از این مقام یاد شده و اهمیت آن با قرارگیری در جایگاه هفتم

پس از «فرمادار» (وزیر دربار) نشان داده شده است. نقش مهرهای این مقام، که مردی با کلاهی جواهرنشان یا مرواریدنشان را تصویر می‌کند، نشان می‌دهد که چنین جایگاهی از اعتبار و شأن بالایی برخوردار بوده است (دریایی، ۱۳۸۱: ۴۵).

۴-۵- دین‌ورگر (dēnwar-gar) : این مقام که وظایف دینی و نظارتی بر امور مذهبی زردشتی را بر عهده داشت، حضور ساختار دینی رسمی را در شهر تأیید می‌کند. وجود این چهار منصب در مهرهای کشف‌شده در وه-از-آمید-کواد، نشان می‌دهد که این منطقه دارای مناصب بیشتری، چه در حوزه کشوری و چه لشکری، بوده است. این نکته از کثرت نام‌های اختصاری شهر در مسکوکات دوره پایانی ساسانی نیز پشتیبانی می‌شود و خود بازتاب اهمیت آن در نگاه دربار ساسانی است. جنبه دینی و جمعیتی شهر چنانکه پروکوپ گزارش می‌کند، قباد پس از فتح شهر «آمد»، گروه بزرگی از اسیران رومی را به ایران آورد (پروکوپ، ۱۳۴۷: ۴۰)، و آنان را در این شهر تازه‌تأسیس وه-از-آمید-کواد اسکان داد (دریایی، ۱۳۸۱: ۴۱). از این‌رو، ترکیب جمعیتی وه-از-آمید-کواد به طور طبیعی باید شامل شمار بالایی از مسیحیان باشد با این حال، اسناد تاریخی نشان می‌دهد که هیچ منصب رسمی دینی مسیحی در این شهر شکل نگرفته است (گیزیلین، ۱۹۸۹: ۷۲). وجود منصب دین‌ورگر زردشتی نیز احتمال ایجاد چنین مقاماتی را کم‌رنگ‌تر می‌کند. با این‌همه، داده‌ها نشان نمی‌دهد که این شهر محل غلبه یک گروه دینی خاص بوده باشد؛ بلکه با وجود منصبی چون دین‌ورگر زردشتی و اسیران رومی مسیحی که به این شهر کوچانده شدند به نظر می‌رسد فضای تسامح دینی در آن برقرار بوده است. شاید همین ویژگی بود که در سال‌های پایانی دولت ساسانی که دوران کشمکش‌های مذهبی بود توجه فرمانروایان مختلف را به خود جلب می‌کرد و این شهر را به مکانی امن در برابر منازعات دینی تبدیل می‌ساخت. بنابراین صورت کامل و صحیح ضرابخانه‌ای وه-از-آمید-کواد بر اساس مهرها، WYHC است که بر سکه‌های عصر ساسانی به صورت WYHC به کار رفته است و به شکل زیر حرف‌نویسی، آوانویسی و ترجمه می‌شود:

wy(h) hc 'mt kw't
Wēh-az-Amid-Kawād
(Gyselen, 1989, 112) وه از آمید کواد

چنانکه می‌خوانیم این مهر نام شهر وه-از-آمید-کواد را بر خود دارد. امروز برای محققان دیگر مسجل شده است که این نشانه معرف نام همین شهر است.

۶- فعالیت ضرابخانه wēh-az-āmid-kawād

فعالیت ضرابخانه این شهر، که در دهه‌های پایانی سلسله ساسانی اهمیت ویژه‌ای یافت، از دوره قباد یکم آغاز شد. نشانه اختصاری WYHC از حوالی سال سی و شش پادشاهی او بر سکه‌ها پدیدار می‌شود (پاروک، ۱۹۷۶: ۱۶۷) و نشان می‌دهد ساخت شهر و سازمان ضرابخانه بخش قابل‌توجهی از دوران فرمانروایی او را دربر گرفته است. در سال‌های پرآشوب پایانی دولت ساسانی، زمانی که در کمتر از یک دهه چندین شاه در سراسر ایران‌شهر ادعای سلطنت داشتند (کریستن‌سن، ۱۳۸۴: ۴۷۹) بیشتر

فرمان‌روایان رقیب کوشیدند با ضرب سکه در این ضربخانه نشان دهند که بر این مرکز مهم و پرمناقشه تسلط یافته‌اند. نشانه اختصاری ضربخانه وه-از-آمید-کواد از سلطنت قباد یکم در سکه‌ها ظاهر شد (پاروک، ۱۹۷۶: ۱۶۷)، و پس از او، فرزندش خسرو اول و سپس هرمز چهارم ملقب به ترک‌زاد نیز از این ضربخانه برای ضرب سکه استفاده کردند (پاروک، ۱۹۷۶: ۱۶۷، ۱۰۸ و ۲۲۸). نکته قابل توجه این است که در جریان نزاع میان بهرام ششم ملقب به چوبین و خسرو دوم (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۲۰-۲۲۲)، هر دو شاه در سال‌های درگیری، که یک تا دو سال به طول انجامید، سکه‌هایی با این نشانه ضرب کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که این شهر در آن دوران و کنترل آن با ارزش سیاسی و اقتصادی بالایی همراه بوده است. حضور نام اختصاری این ضربخانه در سال‌های نخستین سلطنت هر دو پادشاه، نشان می‌دهد که کنترل وه-از-آمید-کواد در درگیری‌های میان بهرام چوبین و خسرو دوم از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار بوده است. پس از بهرام چوبین، ویستهم wīstahm شورشی دایی خسرو دوم با، باقی‌مانده سپاه بهرام اقدام به قیام کرد اما در این شهر سکه‌ای ضرب نکرد؛ این امر منطقی است، زیرا حوزه نفوذ ویستهم در استان‌های شمالی و شمال شرقی بود و مرکز حکومت او از وه-از-آمید-کواد فاصله داشت (شهبازی، ۱۳۸۹: ۶۱۴). پس از خسرو دوم، اکثر پادشاهان بعدی از ضربخانه وه-از-آمید-کواد استفاده کرده و نام اختصاری آن بر سکه‌هایشان آمده است (پاروک، ۱۹۷۶: ۲۵۶-۲۵۸) که اهمیت ویژه شهر در سال‌های پایانی سلسله ساسانی را نشان می‌دهد. شورشیان نیز از این ضربخانه بهره برده‌اند؛ از جمله هرمز پنجم در دوران کوتاه قیام خود (Schindel, 2014: 226)، (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۲۶) همچنین قباد دوم شیرویه (مالک^۱، ۲۰۱۳: ۴۸۶) و اردشیر سوم نیز در این شهر سکه زده‌اند (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۳۸) که بیانگر جایگاه استراتژیک، اقتصادی و سیاسی وه-از-آمید-کواد در دوره پایانی ساسانیان است. پس از او بوراندخت، نخستین شاهنشاه زن ساسانی، که مدت کوتاهی سلطنت کرد، او نیز در ضربخانه وه-از-آمید-کواد سکه ضرب کرده است (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۴۰). جالب توجه آن است که همزمان با سلطنت بوراندخت Bōrān-duxt در تیسفون، یکی از شاهزادگان ساسانی به نام خسرو سوم، که در خراسان حدود شرقی ایران‌شهر ادعای سلطنت کرد اقدام به ضرب سکه نمود بر اساس مسکوکات، خسرو سوم سال دوم و سوم سلطنت خود در ضربخانه وه-از-آمید-کواد نیز سکه زده است (مالک، ۲۰۱۳: ۴۸۸-۴۸۹). در نتیجه این موضوع مطرح می‌شود که آیا خسرو سوم به این شهر دست یافته یا ادعای سلطنت و کنترل بر کانون شورش‌ها را داشته است. پس از مرگ بوراندخت، خواهر تنی او آزر می‌دخت به تخت نشست و در تیسفون سکه ضرب کرد (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۶۸-۵۶۸). از دوران کوتاه سلطنت او، کمتر از یک سال، سکه‌هایی اندکی باقی مانده است با این حال، در اکثر مسکوکات او، نشانه اختصاری وه-از-آمید-کواد (WYHC) آمده و تعداد اندکی سکه با علامت ŠY ضرب شده است (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۴۶). این مسئله نشان می‌دهد که هرچند آزر می‌دخت کنترل تیسفون و شاید سایر استان‌ها را داشته، بیشترین توجه خود را به این شهر و ضربخانه مهم معطوف کرده است. این تمرکز احتمالی با شواهدی از

¹ Malek, H. M.

شورش‌های محلی مرتبط است؛ بر پایه مدارک سکه‌شناسی، یکی از شورشیان به نام هرمز در این شهر سکه ضرب کرده است. علاوه بر این، دینوری گزارشی از درگیری آزمی‌دخت *āzarmīg duxt* با یکی از شاهزادگان ساسانی بر سر تخت سلطنت ارائه کرده است، هرچند به اشتباه این شاهزاده را یزدگرد نامیده کرده است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۹۴). این اطلاعات نشان می‌دهد که وه-از-آمید-کواد همچنان مرکز مهم سیاسی، اقتصادی و پایگاهی برای شورش‌ها در دوره پایانی ساسانیان بوده است. شورشی هم‌زمان با آزمی‌دخت را نمی‌توان هرمز ششم دانست، هر چند او هم بر مسکوکات ضرابخانه وه-از-آمید-کواد (WYHC) دارد (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۴۴)؛ اما منابع از شاهزاده‌ای خسرو نام یاد می‌کنند که در نصیبین و نواحی غربی می‌زیسته (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۴۹)، و از سال دوم تا سال هفتم سکه زده است (دریایی، ۱۳۹۳: ۳۱). در تاریخ طبری این شاهزاده با دو نام «خره‌زاد خسرو» و «فرخ‌زاد خسرو» آمده (طبری، ۱۳۶۲: ۲/ ۷۸۴)، و در داده‌های سکه‌شناسی نیز شاهی خسرو نام، که او را خسرو چهارم دسته‌بندی کرده‌اند، شناسایی شده که مسکوکات ضرابخانه وه-از-آمید-کواد (WYHC) دارد (دریایی، ۱۳۹۳: ۳۱)؛ بنابراین شورشی مورد اشاره دینوری به نظر می‌رسد که همین خسرو چهارم بوده است. امری که با گزارش طبری درباره خاستگاه غربی او همخوانی دارد (طبری، ۱۳۶۲: ۷۸۴). از سوی دیگر، آزمی‌دخت، که تنها یک سال پادشاهی کرد بیشتر سکه‌های خود را در همین ضرابخانه ضرب کرده است (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۴۶). تقابل سکه‌ها نشان می‌دهد صحنه درگیری میان آزمی‌دخت و خسرو چهارم شاید در نزدیک وه-از-آمید-کواد بوده و هر دو برای اعلام تسلط سیاسی خود بر این شهر راهبردی اقدام به ضرب سکه کرده‌اند. نبود «سال یکم» در مسکوکات خسرو چهارم و وجود «سال دوم» با نشانه WYHC نیز گواه آن است که او در سال دوم شورش به این شهر دست یافته است (دریایی، ۱۳۹۳: ۳۱). از قرائن سکه‌شناسی چنین استنباط می‌شود که خسرو چهارم در همان سال نخست سلطنت آزمی‌دخت، قیام کرده، اما در آغاز وه-از-آمید-کواد در اختیار آزمی‌دخت بوده است. به همین دلیل، آزمی‌دخت برای تأکید بر تسلط خود بر این شهر راهبردی بیشتر مسکوکاتش را در همین ضرابخانه ضرب کرد (مالک، ۲۰۱۳: ۴۹۱). مرگ زودهنگام او سبب شد خسرو چهارم به شهر دست یابد و با تاریخ سال دوم در این ضرابخانه سکه بزند (دریایی، ۱۳۹۳: ۳۱)؛ امری که نشان می‌دهد او مدعی بود از همان آغاز شورش، مالکیت این شهر را داشته است. هم‌زمان با سال‌های شورش او، شورشی دیگری نیز به‌پا شد: هرمز ششم، که یکی از ضرابخانه‌های او نیز وه-از-آمید-کواد است (شیندل، ۲۰۱۴: ۲۴۴). منابع سریانی چون الیاس نصیبی و سبتوس نیز گزارش کرده‌اند که شخصی هرمز نام در نصیبین دست به طغیان زده و برای خود سکه زده است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۹۴). در همین احوال به‌نظر می‌رسد خسرو چهارم از میان رفته و یزدگرد سوم در یکی از نواحی امن و مرکزی ایرانشهر به تخت نشسته است. انتخاب محل تاج‌گذاری یزدگرد نشان می‌دهد که در آن زمان هنوز فرمانروایی دیگر در مرکز قدرت حضور داشته و این شخص، شاید، همان خسرو چهارم در واپسین سال شورش او بوده است؛ طبری گزارش می‌کند که موبدان، پس از آن که مردم مدائن فرخ‌زاد خسرو را به قتل رساندند، یزدگرد را در آتشکده‌ای در استخر تاج‌گذاری کردند (طبری،

۱۳۶۲: ۷۸۵ / ۲). از این رو می‌توان نتیجه گرفت که هنگام تاج‌گذاری یزدگرد، نفوذ خسرو چهارم رو به پایان بوده است. در این مقطع، ساختار قدرت در ایران‌شهر بدین‌گونه تقسیم شده بود: یزدگرد سوم در مرکز، و هرمز ششم در وه-از-آمید-کواد و چند شهر غربی دیگر از جمله ریو اردشیر و میشان سکه ضرب می‌کرد(شیندل، ۲۰۱۴: ۲۴۴). این وضعیت با داده‌های منابع سریانی، از جمله آثار الیاس نصیبینی و میخائیل سریانی نیز سازگار است که از برخوردهای یزدگرد با هرمز ششم سخن گفته‌اند (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۹۴)، از نکات مهم، ظهور نام ضرابخانه وه-از-آمید-کواد بر سکه‌های یزدگرد از سال سوم سلطنت او می‌باشد(پاروک، ۱۹۷۶: ۲۵۹). این امر نشان می‌دهد که این شهر تا آن سال در اختیار هرمز بوده و سپس به تصرف یزدگرد درآمده است. با توجه به این که مسکوکات هرمز ششم تنها سه سال تداوم دارند(مالک، ۲۰۱۳: ۴۹۳). از سوی دیگر، یزدگرد پس از دو سال و به قولی سال چهارم از اعراب شکست خورد (طبری، ۱۳۶۲: ۷۸۵ / ۲)، هم‌زمانی ناپدیدشدن هرمز با این وقایع پرسش‌برانگیز است. هرچند نمی‌توان با قطعیت تعیین کرد که هرمز به دست یزدگرد از میان رفته یا در نبرد با اعراب سقوط کرده است. با این حال روشن است که ضرابخانه وه-از-آمید-کواد تا سال بیستم سلطنت یزدگرد فعال بوده و پس از آن برای همیشه از مدار سکه‌زنی خارج شده است (دریایی، ۱۳۹۳: ۵۱)؛ امری که با سقوط آن شهر به دست اعراب سازگار است. بر پایه این داده‌ها اکنون روشن می‌شود که چرا نشانه اختصاری WYHC، متعلق به شهر وه-از-آمید-کواد که به‌دست قباد یکم در نواحی غربی بنیاد شد، در مسکوکات همه شاهان پایانی ساسانی دیده می‌شود. این شهر که ساکنان آن اغلب از اسیران رومی بودند و به نظر می‌رسد همواره قابلیت شورش داشتند، در دهه‌های واپسین شاهنشاهی ساسانی به کانون اصلی حرکت‌های اعتراضی تبدیل شد. در نتیجه بسیاری از شورشیان پایانی عصر ساسانی برای تثبیت ادعای سلطنت خویش به این شهر متوسل شدند؛ تا آنجا که گاه خود شاهنشاه ساسانی نیز برای مهار شورش‌ها، از ضرابخانه مرکزی چشم می‌پوشید و در همین شهر بحران‌خیز به ضرب سکه می‌پرداخت. چنین وضعیتی شکنندگی ساختار سیاسی ساسانیان را در سال‌های پایانی آشکارتر می‌سازد. فراوانی سکه‌های ضرب‌شده در وه-از-آمید-کواد (WYHC) نشان می‌دهد که این شهر در واپسین دهه‌های شاهنشاهی ساسانی یکی از مهم‌ترین مراکز پولی و اداری ایران‌شهر بوده است. تداوم فعالیت این ضرابخانه در دوران آشوب‌های سیاسی، بیانگر جایگاه راهبردی آن در تأمین منابع مالی و تثبیت اقتدار فرمانروایان است. از این رو، اهمیت WYHC تنها به سکه‌زنی محدود نمی‌شد، بلکه بازتابی از نقش سیاسی و اقتصادی این شهر در اواخر عصر ساسانی بود.

۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر آن بود که بررسی شود چرا نام اختصاری ضرابخانه وه-از-آمید-کواد (WYHC) در واپسین دهه‌های شاهنشاهی ساسانی تا این اندازه برجسته شده و به‌صورت گسترده بر مسکوکات شاهان و مدعیان مختلف سلطنت تکرار گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این پدیده را نمی‌توان تنها یک نشانه سکه‌شناختی دانست، بلکه باید آن را بازتاب جایگاه سیاسی، اداری و

راهبردی این مرکز در ساختار اواخر ساسانی تحلیل کرد. در نظام سکه‌زنی ساسانی، نام ضرابخانه‌ها به خط فارسی میانه و به صورت اختصاری بر اساس حروف ابتدایی شهرها درج می‌شد. در این چارچوب، نام وه-از-آمید-کواد نیز به صورت WYHC بر روی مسکوکات ثبت شده است. بنابراین، این نشان به عنوان صورت استاندارد اختصاری این ضرابخانه در نظام سکه‌نویسی ساسانی شناخته می‌شود. شواهد تاریخی و اداری نشان می‌دهد که وه-از-آمید-کواد از زمان بنیان‌گذاری در دوره قباد اول، به دلیل موقعیت ارتباطی و استقرار نهادهای دیوانی، به یکی از مراکز مهم حکومتی تبدیل شد. حضور مناصبی همچون دیریوشان جادگ‌گو، دادور، شهرب و دین‌ورگر در ساختار اداری این حوزه، بیانگر پیوند آن با نظام قضایی، اجرایی و دینی حکومت مرکزی است. از منظر سکه‌شناسی، استمرار فعالیت این ضرابخانه تا دوره یزدگرد سوم، و ضرب سکه توسط شاهان و مدعیان متعدد، نشان‌دهنده نقش آن در تولید و بازنمایی مشروعیت سیاسی است، که فرمانروایانی چون بوراندخت، آزرمی‌دخت، خسرو سوم، یزدگرد سوم و دیگر مدعیان سلطنت با ضرب سکه در این ضرابخانه، درصد نمایش اقتدار و تثبیت مشروعیت سیاسی خود بوده‌اند. در شرایط بحران و تضعیف اقتدار مرکزی، کنترل ضرابخانه WYHC به معنای در اختیار داشتن یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت اقتصادی و نمادین تلقی می‌شد؛ از این‌رو، تکرار گسترده این نشان بر مسکوکات بازتاب مستقیم رقابت سیاسی بر سر مشروعیت و اقتدار بوده است. از منظر زبان‌شناختی نیز انطباق WYHC با نام وه-از-آمید-کواد بر پایه تحلیل فارسی میانه و الگوهای اختصارنویسی ساسانی بر روی مسکوکات قابل تأیید است و با شواهد مهرشناسی هم‌پوشانی دارد. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که برجستگی و تکرار گسترده نام اختصاری WYHC در واپسین دوره ساسانی، ناشی از نقش ساختاری این ضرابخانه در پیوند میان نظام مالی، دیوانی و سیاسی شاهنشاهی بوده است؛ به گونه‌ای که این نشان نه تنها یک اختصار جغرافیایی، بلکه شاخصی از مرکزیت قدرت در اواخر ساسانیان محسوب می‌شود و کنترل آن با مسئله مشروعیت سیاسی در پیوند بوده است.

منابع

- ابن بلخی (۱۳۸۴)، *فارس‌نامه ابن بلخی*، به کوشش و تصحیح گای لیسترانج و رینولد الن نیکلسون. تهران: اساطیر.
- اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶)، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- آلتهایم، فرانتس؛ استیل، روت؛ و روبرت گوبل (۱۳۹۱)، *تاریخ و اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- المقدسی، شمس الدین (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: کاویان.
- آموزگار، ژاله؛ و احمد تفضلی (۱۳۸۲)، *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*، چاپ چهارم. تهران: معین.

پروکوپيوس، (۱۳۴۷)، *جنگ‌های ایران و روم*، ترجمه سعید محمدی، چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

پیگولوسکایا، ن (۱۳۷۲)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد اسماعیل (۱۳۶۸)، *تاریخ ثعالبی*، پاره نخست ایران باستان، تهران: نشر نقره.

حسینی، محمد میرزا (۱۳۹۳)، *نقش برجسته‌های نو یافته ساسانی*، تهران: ققنوس.

دریایی، تورج (۱۳۸۱)، *سقوط ساسانیان: فاتحین خارجی و مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان*، ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینکلو. تهران: نشر تاریخ ایران.

دریایی، تورج (۱۳۹۲)، *امپراتوری ساسانی*، ترجمه خشایار بهاری، تهران: فرزانه.

دریایی، تورج (۱۳۹۳)، *شاهنشاهی ایران*، پیروزی اعراب و فرجام‌شناختی زردشتی، ترجمه شهرام جلیلیان. تهران: توس.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، جلد ۱، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، جلد هشتم، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

شپیمان (۱۳۹۷)، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری. چاپ پنجم. تهران: فرزانه.

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۸۹)، *تاریخ ساسانیان از کتاب طبری: مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، چاپ دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲)، *تاریخ الرسل و الملوك*، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

فرای، ریچارد (۱۳۹۴)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان». در: *تاریخ ایرانیان از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، جلد ۳، بخش ۱. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

قبادیانی مروزی، ناصر خسرو (۱۳۳۵)، *سفرنامه ناصر خسرو*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.

کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۴)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.

گاوبه، هاینس (۱۳۷۷)، *ارجان و کهکلیویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی*، ترجمه سعید فرهودی، تصحیح احمد اقتداری، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر.

گوبل، روبرت (۱۴۰۱)، *سکه‌شناسی ساسانی*، ترجمه پریسا شالباف‌زاده و اسرا بصیری، اهواز: گزارش تاریخ.

مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.

محمدی، محمد (۱۳۵۶)، *فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نولدکه، تئودور (۱۳۵۸)، *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زریاب، تهران: انجمن آثار ملی.

همدانی، ابی بکر احمدین محمد (۱۳۰۲)، مختصر کتاب البلدان، بابی الفقیه، طبع مدینه لیدن المحروسه: بطبع بریل.

یاقوت حموی (۱۳۹۷/۱۹۷۷)، معجم البلدان، جلد ۱. بیروت: دار صادر.

Gyselen, Rika(1989). *La Géographie Administrative de L'empire Bassanide*. Publié par le Groupe pour l'Étude de la Civilisation du Moyen-Orient, Paris.

Gyselen, Rika.(2002), “*Nouveaux Matériaux pour la Géographie Historique de l'Empire Sassanide*”, Sceaux Administratives de la Collection Ahmad Saeedi, Paris, in: Association pour L'avancement des Études Iraniennees.

Malek, H. M. (2013). *Late Sasanian Coinage and the Collection in the Muzeh Melli Iran*. London: The Royal Numismatic Society. (Offprint from The Numismatic Chronicle, 173)

Paruck, D.j (1976), “*Sasanian Coins*”, New Dehli, in: Indological book corporatin.

Schindel, N. (2014), “*Sylloge Nummorum Sasanidarum*” The Schaaf Collection. Wien, in: Australian Academy of sciences press.

Stanley, Bruce E., (2007), and and North Africa: *a Historical Encyclopedia*, Michael R. T. Dumper Bruce E. Stanley, editors: foreword by Janet L. Abu-Lughod, ABC-CLIO, pp. 127-132

Theophanes Confessor. (1997). *The Chronicle of Theophanes Confessor: Byzantine and Near Eastern History, AD 284–813*, Edited by Cyril Mango and Roger Scott. Oxford: Clarendon Press.

سازمان

.....